

مقدمه

هر بار که سیاست های شوروی و احزاب آلت دست آن باعث بحران و سرخوردگی بخشی از استالینیست های سابق می شود، مسأله شورش کرونشئات و سرکوب آن توسط بلشویک ها نیز به ناگهان به مسأله بحث انگیز روز تبدیل می شود. آثارشیست ها، سوسیال دموکرات ها، و عناصر دست راستی ضدکمونیست، همواره معتقد بوده اند که این سرکوب "ماهیت واقعی ضدکارگری بلشویزم" را نشان می دهد و در ضمن اثبات می کند که "برخلاف ادعاهای جناح چپ بلشویزم، تفاوتی میان عملکرد دولت شوروی در زمان حیات لنین و در دوره دیکتاتوری استالین نبوده است". استالینیست های سرخورده نیز از آنجا که همواره لنینیسم و استالینیسم را پدیده ی واحدی تلقی کرده اند، براحتی در دام این بحث گرفتار می شوند. برش اجباری شان از استالینیسم همراه است با برش از بلشویزم. و مسأله کرونشئات یکی از "بهترین" دست آویزها برای توجیه این عمل است.

در چپ ایران نیز در دوره کنونی از بحران استالینیسم، مسأله کرونشئات چنین نقشی را ایفاء می کند. البته، این اولین بار نیست که این مسأله عنوان می شود. جریانات بورژوایی و شبه منشویکی در ایران، از قبیل "نیروی سوم" در دوره مصدق و گروهی از بازماندگان سازمان جوانان جبهه ملی که تحت نام پرطمطراق "سازمان وحدت کمونیستی" کم و بیش همان نقش را در دوره حاضر بازی می کنند، قبلاً چنین خزعبلاتی را منتشر کرده اند. عناصر سابقاً فدائی و یا پیگاری که تا دیروز زیر عکس استالین می خوابیدند و امروز لنینیسم را منشاء استالینیسم می دانند، صرفاً

در همان مسیر قدم گذاشته اند. آخرین شان، و نه با فرهنگ ترین شان، در نشریه "زمان نو" قلم می زنند.

اخیراً، مقاله ای در این نشریه که عمدتاً بر اساس دزدی ادبی از کتاب پل آوریچ آنارشویست تهیه شده، به همین موضع کهنه که بمثابه آخرین دستاورد نقد مارکسیستی معرفی شده بازگشته است.

اغلب اینگونه سخنگویان آنتی بلشویک، اما براحتی چند مسنله عمده را از قلم می اندازند. اولاً بلشویک ها خواهان این سرکوب نبودند و پیشنهاد مذاکره دادند که مورد قبول شورشیان واقع نشد. ثانیاً در صورتی که این شورش ادامه پیدا می کرد، تبدیل به کانونی برای باز سازی ارتش های ضدانقلابی "روس های سفید" و ادامه جنگ داخلی می شد. ثالثاً، ترکیب اجتماعی شورشیان کرونشئات به هیچ وجه با ترکیب کرونشئات در زمان انقلاب ۱۹۱۷ یکسان نبود. رابعاً، بخش تعیین کننده ای از رهبری شورش در ارتباط با نیروهای ضدانقلابی و امپریالیستی قرار داشت. مضافاً به اینکه، همه این مسائل یک طرف و تشبیه سرکوب کرونشئات (که عاقبت یک فاجعه اجتناب ناپذیر بود) با کشتار میلیون ها نفر در زمان استالین یک طرف! چنین شعبده بازی مسخره ای فقط از عهده سبک مغز ترین آنارشویست ها بر می آید.

برای روشن کردن برخی از جوانب این مسأله، انتشار چند سند را ضروری یافتیم: دو مقاله از لنین و تروستکی (که به تشریح مسائل دولت شوروی در آن زمان و ماهیت شورش کرونشئات پرداخته اند) و سندی در باره ارتباط شورش کرونشئات با امپریالیزم. به وجود این سند در آرشیو وزارت خارجه دولت فرانسه سال ها قبل در نوشته های مختلف اشاره شده بود و پل آوریچ با انتشار آن اثبات کرده است که علیرغم تمام تلاش او برای بی اهمیت جلوه دادن این ارتباط، موضع بلشویک ها در این باره درست بوده است. اصل این سند در آرشیو " کمیته ملی روسیه" (یکی از سازمان های روس های سفید در خارج کشور) در دانشگاه کلمبیاست.